



University of Tehran Press

Private Law

Home Page: <https://jolt.ut.ac.ir>

Online ISSN: 2423-6209

Jurisdiction of the Court in Lawsuits Related to the Company's Branch with an Emphasis on Judicial Practice

Mahdi Hasanzadeh 

Department of Civil Law, Faculty of Law, University of Qom, Qom, Iran. E-mail: m.hasanzadeh@qom.ac.ir

ARTICLE INFO

Article type:
Research Article

Article History:

Received: October 15, 2025

Revised: December 27, 2025

Accepted: February 25, 2026

Published online: 19 May 2026

Keywords:

Jurisdiction of the court,
Lawsuits related to the company's
branch,
The court of the company's branch.

ABSTRACT

Under the second part of Article 23 of the Code of Civil Procedure, lawsuits arising from a company's branch must be brought before the court of that branch. However, the scope of this rule is ambiguous: it is unclear whether it governs only contractual claims linked to the branch, non-contractual claims, or both categories. A further question is whether the provision excludes the jurisdiction of the court where the contract was formed or the court designated for its performance. The placement of this clause within Article 23, along with its reference to "obligations" and "transactions," indicates that it primarily addresses contractual disputes connected to the branch and that the word "should" may imply exclusive jurisdiction. Nevertheless, the textual and contextual features of the provision support a facilitative, supplementary function rather than a restrictive one. Accordingly, interpreting it as excluding other competent courts is neither reasonable nor supported by sufficient legal grounds.

Cite this article: Hasanzadeh, M. (2025-2026). Jurisdiction of the Court in Lawsuits Related to the Company's Branch with an Emphasis on Judicial Practice. *Private Law*.22 (2), 167-177. <http://doi.org/10.22059/jolt.2026.404195.1007423>



© Authors retain the copyright and full publishing rights.
DOI: <http://doi.org/10.22059/jolt.2026.404195.1007423>

Publisher: University of Tehran Press.



انتشارات دانشگاه تهران

حقوق خصوصی

سایت نشریه: <https://jolt.ut.ac.ir>

شاپا الکترونیکی: ۶۲۰۹-۲۴۲۳

صلاحیت دادگاه در دعاوی مربوط به شعبه شرکت با تاکید بر رویه قضایی

مهدی حسن زاده

گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، دانشگاه قم، قم، ایران. رایانامه: m.hasanzadeh@qom.ac.ir

اطلاعات مقاله

چکیده

نوع مقاله:

پژوهشی

تاریخ های مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۷/۲۳

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۱۰/۰۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۲/۰۶

تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۲/۲۹

به موجب قسمت دوم ماده ۲۳ قانون آیین دادرسی مدنی، دعاوی مربوط به شعبه شرکت در دادگاه محل شعبه اقامه می‌شود. حکم این قسمت از این نظر که مربوط به دعاوی قراردادی مرتبط با شعبه یا دعاوی غیر قراردادی یا هر دو دسته است و اینکه در خصوص دعاوی قراردادی مربوط به شعبه صلاحیت محل وقوع عقد و محل یا محل های اجرای عقد را نفی می‌کند یا خیر محل بحث و تأمل است. موقعیت این قسمت در ماده ۲۳ و همچنین به کار بردن کلمات «تعهدات» و «معامله» در آن ذهن را به دعاوی قراردادی مربوط به شعبه هدایت می‌کند و کلمه «باید» نیز ظهور در انحصار صلاحیت دادگاه محل شعبه و نفی صلاحیت دادگاه محل وقوع عقد و محل یا محل های اجرای عقد دارد. این در حالی است که سیاق عبارت حکایت از ارفاقی، تسهیلی، و توسعه ای بودن آن دارد، ولی موارد یادشده معنایی تضيیعی، تحدیدی، و غیر منطقی و غیر قابل قبول را دلالت می‌کند.

کلیدواژه:

دادگاه محل شعبه شرکت،

دعاوی مربوط به شعبه شرکت،

صلاحیت دادگاه.

استناد: حسن زاده، مهدی (۱۴۰۴). صلاحیت دادگاه در دعاوی مربوط به شعبه شرکت با تاکید بر رویه قضایی. حقوق خصوصی، ۲۲ (۲) ۱۶۷-۱۷۷.

<http://doi.org/10.22059/jolt.2026.404195.1007423>

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

© نویسندگان.

DOI: <http://doi.org/10.22059/jolt.2026.404195.1007423>



مقدمه

بر اساس ماده ۲۲ ق.آ.د.م. دعاوی اشخاص به طرفیت شرکت در مرکز اصلی شرکت اقامه می‌شود. مطابق قسمت نخست ماده ۲۳ همان قانون نیز «دعاوی ناشی از تعهدات شرکت در مقابل اشخاص خارج از شرکت در محلی که تعهد در آنجا واقع شده یا محلی که کالا باید در آنجا تسلیم گردد یا جایی که پول باید پرداخت شود اقامه می‌شود». قسمت دوم این ماده نیز اعلام کرده است: «اگر شرکت دارای شعب متعدد در جاهای مختلف باشد دعاوی ناشی از تعهدات هر شعبه یا اشخاص خارج باید در دادگاه محلی که شعبه طرف معامله در آن واقع است اقامه شود مگر آنکه شعبه یادشده برچیده شده باشد که در این صورت نیز دعاوی در مرکز اصلی شرکت اقامه خواهد شد».

بیان قانونگذار در قسمت دوم ماده ۲۳ از این نظر محل تأمل و بررسی است که آیا مربوط به دعاوی قراردادی یا غیر قراردادی یا هر دو دسته دعاوی است و اینکه در خصوص دعاوی قراردادی مربوط به شعبه شرکت دادگاه محل شعبه را به صورت انحصاری صالح می‌داند یا در کنار دادگاه‌های محل انعقاد و محل اجرای عقد؟ تعبیری در این قسمت از ماده به کار رفته است که راه تحلیل منطقی آن و حمل آن بر معنایی منطقی و قابل قبول را دشوار کرده است.

در خصوص موضوع مورد بحث، علاوه بر دیدگاه‌های متعدد حقوقدانان، رویه‌های متفاوتی از دادگاه‌ها در آرای صادره از محاکم قابل مشاهده و بررسی است.

گفتنی است موضوع ماده ۲۳ ق.آ.د.م. و این مقاله مواردی است که در ارتباط شعبه شرکت با اشخاص ثالث ایجاد اختلاف می‌شود و اشخاص ثالث به عنوان خواهان دعوا قصد اقامه دعوا دارند. اما اگر در چنین اختلافاتی لازم شود علیه اشخاص ثالث اقامه دعوا شود، شرکت به عنوان خواهان به طرفیت اشخاص ثالث اقامه دعوا می‌کند و در این موارد، بر اساس قواعد صلاحیت محلی دادگاه (ماده ۱۱ ق.آ.د.م. و مواد بعدی آن)، اقامه دعوا می‌شود و این موارد خارج از ماده مورد بحث در این مقاله (ماده ۲۳ ق.آ.د.م.) است.

تحلیل و دیدگاه حقوقدانان

از نظر تحلیلی، دعاوی مربوط به شعبه شرکت و قسمت دوم ماده ۲۳ ق.آ.د.م. در دو وضعیت: الف) دعاوی غیر قراردادی و ب) دعاوی قراردادی قابل بررسی و مطالعه است.

دعاوی غیر قراردادی مربوط به شعبه شرکت

به موجب ماده ۲۲ ق.آ.د.م. دعاوی اشخاص ثالث به طرفیت شرکت در مرکز اصلی شرکت قابل طرح است. در دعاوی غیر قراردادی به طرفیت شرکت نیز دادگاه محل مرکز شرکت صالح است. از طرفی لازم است توجه کنیم که شعبه شرکت شخصیت حقوقی مستقل از شرکت ندارد (اسکینی، ۱۳۹۴: ۲۱؛ افتخار جهرمی و السان، ۱۳۹۶: ۲۸۱؛ کریمی و پرتو، ۱۳۹۵: ۲۵۴). بنابراین اگر حکم خاص در قانون نباشد، دعاوی مربوط به شعبه شرکت نیز لازم است در مرکز اصلی شرکت اقامه شود. این در حالی است که الزام اشخاصی که با شعب شرکت‌ها مرتبط می‌شوند و با شعب شرکت‌ها، به نمایندگی از شرکت، طرف رابطه حقوقی می‌شوند به اقامه دعوا در مرکز شرکت موجب زحمت و تضييع وقت و هزینه می‌شود. همین موضوع سبب شد در سده نوزدهم رویه قضایی در کشور فرانسه راه‌حلی را در پیش گیرد؛ دادگاه‌های این کشور تجویز کردند که هر کس دعوا با شرکتی داشت که دارای شعب بود می‌تواند در هر دادگاهی که در حوزه آن یکی از شعب شرکت دایر بود اقامه دعوا کند (متین‌دفتری، ۱۳۸۱: ۲۸۹). بر این اساس، منطقی این است که به گونه‌ای چاره‌اندیشی شود که اشخاصی که با شعبه شرکت مرتبط می‌شوند و به مناسبت آن ناچار به اقامه دعوا می‌شوند بتوانند در دادگاه محل شعبه شرکت دعوی خود را اقامه کنند و مجبور به اقامه دعوا در مرکز شرکت که مستلزم زحمت و صرف وقت و هزینه مضاعف است نباشند.

عدم شخصیت مستقل شعبه شرکت در رأی وحدت رویه شماره ۲۹-۱۳۶۳/۸/۲۸ هیئت عمومی دیوان عالی کشور مورد تأیید واقع شده است. بر این اساس، اقامه دعوا به طرفیت شعبه شرکت امکان‌پذیر نیست و حتی در صورت اقامه دعوا در محل شعبه شرکت خواننده دعوا خود شرکت است نه شعبه آن (مهاجری، ۱۳۸۷: ۱۲۳؛ افتخار جهرمی و السان، ۱۳۹۶: ۲۸۱).

اما عبارت ذیل رأی وحدت رویه یادشده، که به موجب آن اعطای اختیارات به نماینده تجاری متصدی حمل و نقل سبب مسئول شدن و امکان اقامه دعوا به طرفیت آن شناخته شده است مورد انتقاد واقع شده است؛ با این بیان که اعطای اختیار اقدام به شعبه یا نمایندگی ایجاد شخصیت حقوقی برای آن نمی‌کند، بلکه شعبه یا نمایندگی صرفاً به نمایندگی از شرکت اقدام می‌کند (افتخار جهرمی و السان، ۱۳۹۶: ۲۸۲).

این ایراد بر رأی وحدت رویه یادشده وارد است. زیرا شعبه یا نمایندگی در هر حال نماینده شرکت محسوب می‌شود و حتی در صورت اعطای اختیارات به آن، اقدام شعبه یا نمایندگی از طرف شرکت است و اعطای اختیارات ملازمه با ایجاد شخصیت حقوقی برای شعبه یا نمایندگی ندارد.

امکان اقامه دعوا در محل شعبه شرکت نیز ملازمه با شخصیت حقوقی شعبه شرکت ندارد (نظر مشورتی ۱۳۸۶/۲/۴-۷/۴۹۴ اداره حقوقی قوه قضاییه). زیرا دعوا در هر حال به طرفیت شرکت اقامه می‌شود و شعبه شرکت، به نمایندگی از شرکت، در دعوا حاضر می‌شود و دفاع می‌کند و طرف دعوا خود شرکت است.

با توجه به عدم شخصیت حقوقی مستقل شعبه شرکت، تعابیر «تعهدات هر شعبه» و «شعبه طرف معامله» در عبارت قسمت دوم ماده ۲۳ ق.آ.د.م. قابل انتقاد است. زیرا آنچه شعبه تعهد می‌کند به حساب شرکت اصلی است و مدیر شعبه نماینده شرکت است (اسکینی، ۱۳۹۴: ۲۱). بنابراین، در هر حال، خود شرکت طرف معامله است نه شعبه آن.

با توجه به آنچه گفته شد، در اختلافات بین اشخاص و شعبه شرکت اقامه دعوی اشخاص ثالث صرفاً به طرفیت خود شرکت امکان پذیر است و خود شرکت خواننده دعوا قرار می‌گیرد و نه فقط اقامه چنین دعاوی به طرفیت شعبه شرکت اشکال دارد، بلکه طرف و خواننده قرار دادن شرکت و شعبه آن هم ایراد دارد. البته در صورت اقامه دعوا به طرفیت شرکت و شعبه آن لازم است دادگاه با اعلام رد دعوا به طرفیت شعبه رسیدگی به آن دعوا را به طرفیت شرکت ادامه دهد. در رویه قضایی نیز - به شرحی که در قسمت دوم این مقاله خواهد آمد - جز در موارد اندک، این گونه دعاوی به طرفیت شرکت اقامه شده و دادگاه‌ها به آن رسیدگی کرده‌اند.

اگر عبارت قسمت دوم ماده ۲۳ ق.آ.د.م. را ناظر به دعاوی غیر قراردادی بدانیم، حاوی حکمی منطقی و قابل توجیه خواهد بود. زیرا، در دعاوی غیر قراردادی به طرفیت شرکت، دادگاه مرکز اصلی شرکت صلاحیت دارد (ماده ۲۲ ق.آ.د.م.). حال اگر دعاوی غیر قراردادی مربوط به شعبه شرکت باشد، این که قانونگذار جهت تسهیل و ارفاق به طرف دعوا دادگاه محل شعبه را صالح معرفی کند و خواهان را از مراجعه به دادگاه مرکز شرکت معاف کند، حکمی منطقی و قابل قبول است.

به نظر می‌رسد منظور قانونگذار نیز همین بوده است که در دعاوی مربوط به شعبه شرکت خواهان را از مراجعه به دادگاه مرکز شرکت معاف کند و از این رو حکم قسمت دوم ماده ۲۳ ق.آ.د.م. حکمی ارفاقی و تسهیلی است.

با وجود این، در اثر بی‌دقتی قانونگذار، حکم قسمت دوم ماده ۲۳ به گونه‌ای بیان شده است که موانع جدی در مسیر تحلیل آن، به نحوی که به دعاوی غیر قراردادی مربوط باشد، ایجاد کرده است.

مانع نخست این است که حکم موضوع قسمت دوم ماده ۲۳ ق.آ.د.م. کنونی در قانون آیین دادرسی مدنی سابق (مصوب ۱۳۱۸) در ماده ۳۸ و به صورت مستقل بیان شده بود و گفته شده است همان شیوه درست‌تر بود (حیاتی، ۱۳۹۰: ب: ۵۸). در واقع، احکام مواد ۳۷ و ۳۸ ق.آ.د.م. سابق در ماده ۲۳ ق.آ.د.م. کنونی ادغام شده است و این وضعیت سبب شده در تحلیل قسمت دوم ماده ۲۳ همواره به ارتباط آن با قسمت نخست آن ماده توجه شود و مانع از این است که قسمت دوم ماده، مستقل از قسمت نخست، تحلیل و تفسیر شود.

آمدن حکم قسمت دوم ماده ۲۳ در این ماده، که قسمت نخست آن مربوط به دعاوی قراردادی شرکت است، ارتباط دو قسمت ماده را به ذهن القا می‌کند و ذهن را به این مطلب هدایت می‌کند که ادامه ماده نیز مربوط به دعاوی قراردادی است. مانع دیگر که سبب می‌شود نتوانیم حکم قسمت مورد بحث در ماده ۲۳ را مربوط به دعاوی غیر قراردادی مربوط به شعبه شرکت بدانیم به کار بردن کلمات «تعهدات» و «معامله» است که این کلمات نیز عبارت این قسمت از ماده را منصرف به دعاوی قراردادی مربوط به شعبه شرکت می‌کند و چگونه می‌توان با وجود چنین کلماتی حکم این قسمت را ناظر به دعاوی غیر قراردادی مربوط به شعبه شرکت دانست؟

همین عوامل باعث شده است تا این قسمت از ماده ۲۳ از نظر دادرسی‌دانان مربوط به دعاوی قراردادی تلقی شود (شمس، ۱۳۸۸: ۳۹۹؛ مهاجرى، ۱۳۸۷: ۱۲۳؛ حیاتی، ۱۳۹۰ الف: ۲۲۷) و حتی برخی بر عدم شمول آن به دعاوی غیر قراردادی مربوط به شعبه شرکت تصریح کرده‌اند (افتخار جهرمی و السان، ۱۳۹۶: ۲۸۱).

دعاوی قراردادی مربوط به شعبه شرکت

دعاوی مربوط به تعهدات شرکت، به موجب قسمت نخست ماده ۲۳ ق.آ.د.م.، در محل وقوع عقد یا محل یا محل‌های اجرای عقد قابل اقامه است. بر این اساس، ماده ۲۲ ق.آ.د.م. منصرف از دعاوی مربوط به تعهدات شرکت است (شمس، ۱۳۸۸: ۳۸۸) و در خصوص دعاوی مربوط به تعهدات شرکت حکم قسمت نخست ماده ۲۳ با حکم ماده ۱۳ ق.آ.د.م. هماهنگ است و با وجود ماده ۱۳ وجود قسمت نخست ماده ۲۳ مورد انتقاد واقع شده و اضافی شناخته شده است (افتخار جهرمی و السان، ۱۳۹۶: ۲۸۰).

همچنین، صلاحیت محل وقوع عقد و محل یا محل‌های اجرای عقد در دعاوی مربوط به تعهدات شرکت که در قسمت نخست ماده ۲۳ مقرر شده است منافی صلاحیت دادگاه محل اقامت شرکت (مرکز اصلی شرکت) شناخته نشده است (شمس، ۱۳۸۸: ۳۹۹؛ زراعت، ۱۳۸۹: ۱۰۰؛ ابهری و برزگر، ۱۳۹۲: ۱۷۶؛ حیاتی، ۱۳۹۰ الف: ۲۲۶).

در خصوص تعهدات مربوط به شعبه نیز منطقی این است که همان حکم قسمت نخست ماده ۲۳ و همچنین ماده ۱۳ ق.آ.د.م. حاکم باشد؛ یعنی دعوا در محل وقوع عقد یا محل یا محل‌های اجرای عقد قابل اقامه باشد. بر همین اساس دادرسی‌دانان بر شمول حکم قسمت نخست ماده ۲۳ بر دعاوی ناشی از تعهدات مربوط به شعبه و صلاحیت دادگاه محل وقوع عقد و محل یا محل‌های اجرای عقد در این حالت نیز تأکید کرده‌اند (شمس، ۱۳۸۸: ۳۹۹؛ افتخار جهرمی و السان، ۱۳۹۶: ۲۸۱؛ حیاتی، ۱۳۹۰ الف: ۲۲۷؛ حیاتی، ۱۳۹۰ ب: ۵۸).

نکته دیگر اینکه اگرچه همان‌طور که گفته شد، در دعاوی قراردادی شرکت دادگاه محل اقامت شرکت (مرکز اصلی شرکت) نیز صالح است، در خصوص دعاوی قراردادی مربوط به شعبه شرکت، منطقی این است که به جای دادگاه مرکز اصلی شرکت دادگاه محل شعبه صالح باشد. دلایلی که چنین اقتضایی در دعاوی قراردادی مربوط به شعبه شرکت دارد همان دلایلی است که پیش از این در خصوص دعاوی غیر قراردادی مربوط به شعبه شرکت بیان شد و در این زمینه فرقی بین دعاوی قراردادی و دعاوی غیر قراردادی مربوط به شعبه شرکت وجود ندارد.

همان‌طور که پیش از این گفته شد، دلایل متعددی وجود دارد که عبارت دوم ماده ۲۳ ق.آ.د.م. را ناظر به دعاوی قراردادی مربوط به شعبه شرکت می‌کند و مانع از آن است که این عبارت را به گونه‌ای تفسیر کنیم که ناظر به دعاوی غیر قراردادی مربوط به شعبه شرکت یا شامل آن شود. حال اگر بتوان این عبارت را به گونه‌ای تفسیر کرد که نتیجه آن امکان اقامه دعاوی قراردادی مربوط به شعبه شرکت در محل وقوع عقد یا محل یا محل‌های اجرای عقد یا دادگاه محل شعبه شرکت باشد، این عبارت حاوی یک حکم منطقی و قابل قبول خواهد بود. اما این عبارت به گونه‌ای است که تفسیر آن به چنین معنایی هم دشوار است. زیرا از طرفی در آن هیچ اشاره‌ای به صلاحیت دادگاه محل وقوع عقد و محل اجرای عقد نشده است و از طرف دیگر با آوردن کلمه «باید» این معنا را به ذهن القا می‌کند که گویا در دعاوی قراردادی مربوط به شعبه شرکت دعوا صرفاً در دادگاه محل شعبه قابل اقامه است و وجود کلمه «باید» در قسمت دوم از ماده ۲۳ این اشکال و مانع و سؤال جدی را ایجاد کرده است که چگونه می‌توان با وجود چنین کلمه‌ای دادگاه محل شعبه را یکی از دادگاه‌های صالح دانست و علاوه بر آن دادگاه محل وقوع عقد و محل یا محل‌های اجرای عقد را نیز صالح شناخت؟ این اشکال مورد توجه و تصریح برخی از دادرسی‌دانان واقع شده است (افتخار جهرمی و السان، ۱۳۹۶: ۲۸۱).

از مجموع آنچه گفته شد مشخص شد عبارت قسمت دوم ماده ۲۳ ق.آ.د.م. به گونه‌ای است که بر این معنا دلالت دارد که در دعاوی قراردادی مربوط به شعبه شرکت صرفاً دادگاه محل شعبه صلاحیت دارد و دعوا در محل وقوع عقد یا محل یا محل‌های اجرای عقد قابل اقامه نیست. این در حالی است که چنین مطلبی به شدت قابل انتقاد و غیر قابل قبول است. زیرا دلیلی به ذهن نمی‌رسد که درحالی که ماده ۱۳ ق.آ.د.م. در دعاوی ناشی از قرارداد محل وقوع و محل اجرای عقد را صالح شناخته است و

قسمت نخست ماده ۲۳ همان قانون نیز همین حکم را در خصوص دعاوی قراردادی شرکت‌ها تأیید کرده است، در مورد دعاوی قراردادی مربوط به شعبه شرکت، این حکم استثنا شود و اجرا نشود و وضعیت به گونه‌ای دیگر باشد.

حکم مقرر در ماده ۱۳ و قسمت نخست ماده ۲۳ مبتنی بر ارفاق و تسهیل برای خواهان است که از دادگاه‌های صالح هر یک را که راحت‌تر است انتخاب کند. همین وضعیت در خصوص دعاوی قراردادی شعبه شرکت نیز وجود دارد و از عبارت قسمت دوم ماده ۲۳ مشخص است که قانونگذار نظر به ارفاق و ایجاد تسهیل برای خواهان داشته است و لازمه چنین ارفاق و تسهیلی این است که حکم ماده ۱۳ و قسمت نخست ماده ۲۳ در خصوص دعاوی قراردادی مربوط به شعبه نیز جاری باشد. در غیر این صورت نقض غرض قانونگذار حاصل می‌شود و به جای ارفاق و تسهیل، تضییق و سختگیری برای خواهان در دعاوی قراردادی مربوط به شعبه شرکت ایجاد می‌شود.

به نظر می‌رسد آنچه از وضعیت عبارت قسمت دوم ماده ۲۳ ق.آ.د.م. مستفاد می‌شود مقصود قانونگذار نبوده است، بلکه بی‌دقتی در پردازش عبارت و به کار بردن کلمات سبب شده است تا عبارت یادشده به گونه‌ای بیان شود که مقصود قانونگذار را بیان نکند و از طرف دیگر به معنایی دلالت کند که منظور قانونگذار نبوده است.

به نظر می‌رسد مقصود قانونگذار این بوده است که چه در دعاوی قراردادی چه در دعاوی غیر قراردادی مربوط به شعبه شرکت صرفاً دادگاه محل شعبه را جایگزین دادگاه مرکز اصلی شرکت کند. ولی قصدی بر نفی صلاحیت دادگاه محل وقوع عقد و محل یا محل‌های اجرای عقد در دعاوی قراردادی مربوط به شعبه شرکت نداشته است.

بی‌دقتی در عبارت قسمت مورد بحث در ماده ۲۳ به گونه‌ای است که در یک اشتباه فاحش در عبارت «دعاوی ناشی از تعهدات هر شعبه یا اشخاص خارج» کلمه «یا» جایگزین کلمه «با» شده است و در این خصوص گفته شده حرف «یا» در این عبارت اشتباه است و حرف «با» صحیح است (زراعت، ۱۳۸۹: ۱۰۰).

رویه قضایی

پرونده اول

شعبه ۲۶ دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی شهید بهشتی تهران به موجب دادنامه شماره ۷۳۹۵-۱۳۸۹/۱۲/۱۱-۱۴۰۰ در خصوص دادخواست خواهان به طرفیت بانک سپه، به خواسته ابطال قرارداد، با اعلام اینکه خواهان طبق دادخواست تقدیمی و ضمائم پرونده و دفاعیات خوانده و شرح پرونده استنادی از شعب بانک سپه شهرستان تاکستان استان قزوین تسهیلات دریافت کرده و مدعی ابطال قراردادهای یادشده است و نظر به اینکه اولاً قرارداد فی ما بین طرفین دعوا در تاکستان منعقد شده است و ثانیاً خوانده دارای شعبه فعال در شهرستان یادشده بوده که طرف قرارداد اشاره شده نیز هست، با وحدت ملاک از ماده ۲۳ قانون آیین دادرسی مدنی به شایستگی محاکم عمومی حقوقی تاکستان، مراتب عدم صلاحیت خود را اعلام کرده است. متعاقباً شعبه ۴ دادگاه عمومی حقوقی شهرستان تاکستان استان قزوین به موجب دادنامه شماره ۴۱۱۱-۱۳۸۹/۲/۱۷-۱۴۰۱، با اعلام اینکه اولاً در رسیدگی به دعاوی حقوقی اصل بر صلاحیت دادگاه محل اقامت خوانده است و در این پرونده خواهان بانک سپه تهران را طرف دعوا قرار داده و محل اقامت خوانده در تهران است، ثانیاً استناد به ماده ۱۳ قانون آیین دادرسی مدنی و طرح دعوا در دادگاه محل وقوع عقد، همان‌طور که از مفاد ماده یادشده به دست می‌آید، از اختیارات خواهان است و نافی حق رجوع خواهان به دادگاه محل اقامت خوانده نیست و خواهان نیز با استناد به این حق قانونی مبادرت به طرح دعوا در دادگاه محل اقامت خوانده کرده است، ثالثاً وجود شعبه فعال بانک سپه در یک شهرستان مانع از رجوع خواهان به شعبه مرکزی بانک یادشده، که در تهران مستقر است، نیست، این مرجع خود را صالح به رسیدگی ندانسته و قرار عدم صلاحیت به شایستگی و صلاحیت شعبه ۲۶ دادگاه عمومی حقوقی شهرستان تهران صادر و اعلام کرده است. شعبه ۱۲ دیوان عالی کشور، با اعلام اینکه شعبه ۲۶ دادگاه عمومی حقوقی تهران رسیدگی را شروع کرده است، استدلال شعبه ۴ دادگاه عمومی حقوقی شهرستان تاکستان استان قزوین را صحیح و منطبق با موازین قانونی شناخته و با اعلام صلاحیت شعبه ۲۶ دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی شهید بهشتی تهران حل اختلاف کرده است (سامانه ملی آرای قضایی، تاریخ رویت ۱۴۰۴/۷/۳، <https://ara.jri.ac.ir/Judge/Text/36202>).

در این پرونده، شعبه دادگاه عمومی تهران در خصوص دعوی شعبه بانک، علاوه بر دادگاه محل شعبه، دادگاه محل انعقاد عقد را هم صالح دانسته است. البته در این پرونده محل انعقاد عقد در محل شعبه بانک بوده است. اما دادگاه اقامتگاه خواننده را صالح ندانسته است. در مقابل، شعبه دادگاه عمومی تاکستان صلاحیت دادگاه محل شعبه و همچنین دادگاه محل انعقاد عقد را منافی با صلاحیت دادگاه اقامتگاه خواننده ندانسته و به این ترتیب در دعاوی قراردادی مربوط به شعبه، علاوه بر صلاحیت دادگاه محل شعبه، دادگاه محل عقد و همچنین دادگاه اقامتگاه خواننده را صالح دانسته است. همین نظر مورد تأیید شعبه دیوان عالی کشور واقع شده است. این دیدگاه با روح قسمت دوم ماده ۲۳ ق.آ.د.م، که برای ایجاد سهولت و تسهیل است، سازگار است. اما با عبارت نامناسب آن- به شرحی که پیش از این توضیح داده شد- هماهنگ نیست.

پرونده دوم

شعبه ۳۶ دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی شهید صدر تهران در خصوص دادخواست خواهان به خواسته نصب داور به طرفیت شرکت سهامی بیمه ایران، پس از بررسی موضوع، به موجب دادنامه شماره ۰۵۶۹۱۸۱-۱۴۰۱/۱/۲۴، با این استدلال که خواهان اجرای تعهدات ناشی از بیمه نامه پیوست دادخواست را خواسته است، بنابراین دعوی او قراردادی است، و طبق مفاد بیمه نامه محل انعقاد قرارداد بناب است و خواهان دعوی خود را بر اساس رابطه حقوقی که با نمایندگی شرکت بیمه ایران در بناب داشته مطرح کرده و طبق ماده ۱۳ قانون آیین دادرسی مدنی خواهان حق دارد در دعوی ناشی از قرارداد به دادگاه محل وقوع عقد مراجعه کند و با اعلام اینکه طبق ماده ۲۳ قانون آیین دادرسی مدنی دعوی ناشی از تعهدات هر شعبه یا اشخاص خارج باید در دادگاه محلی که شعبه طرف معامله در آن واقع است اقامه شود و در این مورد شرکت بیمه ایران، که در زمره شرکت های سهامی است، دارای شعب مختلف و از جمله در بناب است، پس دادگاه عمومی بناب صالح به رسیدگی است، قرار عدم صلاحیت به صلاحیت دادگاه عمومی بناب صادر و پرونده را برای رسیدگی به آن دادگاه ارسال کرده است. پرونده برای رسیدگی به شعبه ۳ دادگاه عمومی حقوقی شهرستان بناب ارجاع شده است و این شعبه نیز به موجب دادنامه شماره ۰۱۳۴۰۷۷۳-۱۴۰۱/۲/۲۷ با این استدلال که نسبت به اصل دعوا خواهان اختیار مراجعه به محل انعقاد قرارداد و محل اقامت خواننده را داشته و بر اساس این اختیار قانونی برای درخواست تعیین داور به محاکم تهران مراجعه کرده است و صلاحیت رسیدگی بر همین اساس مستقر شده است، همچنین، اصل بر صلاحیت دادگاه محل اقامت خواننده است، ضمن عدم پذیرش قرار عدم صلاحیت صادره از شعبه ۳۶ دادگاه عمومی حقوقی تهران، قرار عدم صلاحیت به اعتبار صلاحیت و شایستگی رسیدگی محاکم عمومی حقوقی تهران صادر و پرونده را به دیوان عالی کشور ارسال کرده است. شعبه ۱۷ دیوان عالی کشور در تاریخ ۱۴۰۱/۰۳/۳۱ با تأیید نظر شعبه سوم دادگاه عمومی حقوقی شهرستان بناب، ضمن نقض قرار صادره از شعبه ۳۶ دادگاه عمومی حقوقی شهرستان تهران، به صلاحیت مرجع اخیر نظر داده است (سامانه ملی آرای قضایی، تاریخ رؤیت ۱۴۰۴/۰۷/۰۳، <https://ara.jri.ac.ir/Judge/Text/35889>).

در این پرونده، که دعوی قراردادی مربوط به شعبه شرکت بوده است، مانند پرونده قبلی، شعبه دادگاه عمومی تهران، علاوه بر صلاحیت دادگاه محل شعبه شرکت، دادگاه محل انعقاد عقد را هم به استناد ماده ۱۳ ق.آ.د.م. صالح دانسته است. با وجود این، دادگاه اقامتگاه خواننده را صالح ندانسته و بر همین اساس قرار عدم صلاحیت صادر کرده است. در مقابل، شعبه دادگاه بناب، در دعوی قراردادی مربوط به شعبه شرکت، دادگاه محل اقامت خواننده را هم صالح دانسته و به همین سبب قرار عدم صلاحیت را پذیرفته است. شعبه دیوان عالی کشور هم با نظر شعبه دادگاه بناب موافق بوده است. نکته جالب توجه اینکه هیچ یک از دادگاه های مرتبط با این پرونده، برخلاف کلمه «باید» در ماده ۲۳ ق.آ.د.م، نظر به صلاحیت انحصاری دادگاه محل شعبه شرکت نداشته است.

نکته قابل توجه در این پرونده و پرونده قبلی این است که دادگاه دوم با وجود اینکه دادگاه محل انعقاد قرارداد (دادگاه دوم) را صالح دانسته است، به دلیل اینکه خواهان دادگاه محل اقامت خواننده (دادگاه اول) را انتخاب کرده است، از پذیرفتن قرار عدم صلاحیت دادگاه اول امتناع کرده و قرار عدم صلاحیت صادر کرده است. در چنین مواردی، صدور قرار عدم صلاحیت دادگاه دوم همراه با مسامحه است. زیرا اصل صلاحیت دادگاه دوم وجود دارد، اما، به دلیل انتخاب اول خواهان، دادگاه دوم مکلف به امتناع از

رسیدگی است. پس بهتر است در چنین مواردی دادگاه دوم با اعلام عدم پذیرش قرار عدم صلاحیت دادگاه نخست، از رسیدگی امتناع و پرونده را به مرجع حل تعارض ارسال کند.

پرونده سوم

شعبه اول دادگاه عمومی بخش امیرآباد استان سمنان به موجب دادنامه شماره ۷۹۹۵-۱۲/۲۴-۱۴۰۰، در خصوص دادخواست خواهان به طرفیت اداره بیمه به خواسته الزام خوانده به انجام دادن تعهدات مقرر در بیمه نامه شخص ثالث و پرداخت دیه جراحات وارده به خواهان به نرخ روز طبق نظر پزشکی قانونی و پرداخت هزینه‌ها و خسارات دادرسی، با اعلام اینکه برابر ماده ۱۱ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی دعوا باید در دادگاهی اقامه شود که خوانده در حوزه قضایی آن اقامتگاه دارد و اینکه در سیستم مدیریت پرونده و در سامانه ثنا اقامتگاه خوانده در تهران اعلام شده است، قرار عدم صلاحیت به اعتبار و شایستگی رسیدگی موضوع در محاکم عمومی حقوقی تهران صادر و اعلام کرده است. متعاقباً شعبه ۱۵ دادگاه عمومی حقوقی تهران به موجب دادنامه شماره ۹۱۱۹-۱/۲/۳۱-۱۴۰۱ با اعلام اینکه طبق ماده ۲۳ قانون آیین دادرسی مدنی دعاوی ناشی از تعهدات شعب هر شرکت در مقابل اشخاص خارج از شرکت در محلی که تعهد در آنجا واقع شده یا محلی که کالا در آنجا باید تسلیم شود یا جایی که پول باید پرداخت شود اقامه می‌شود و اگر شرکت دارای شعب متعدد در جاهای مختلف باشد، دعاوی ناشی از تعهدات هر شعبه باید در جایی که شعبه طرف معامله در آنجا واقع شده اقامه شود و از آنجا که طبق بیمه نامه منضم دادخواست موضوع خواسته مربوط به تعهدات شرکت بیمه در حوزه قضایی بخش امیرآباد استان سمنان است، موضوع را در صلاحیت دادگاه یادشده دانسته و اعلام کرده پرونده برای رفع اختلاف به دیوان عالی کشور ارسال شود. شعبه ۱۲ دیوان عالی کشور به موجب دادنامه شماره ۸۷۴۶۳۷-۱۴۰۴۹۹۲۰۰۰ مورخ ۱۴۰۱/۰۳/۳۱ استدلال شعبه دادگاه عمومی تهران را تأیید و با اعلام صلاحیت شعبه اول دادگاه عمومی بخش امیرآباد استان سمنان حل اختلاف کرده است (سامانه ملی آرای قضایی، تاریخ رؤیت <https://ara.jri.ac.ir/Judge/Text/38461,1404/07/03>).

در این پرونده، شعبه دادگاه بخش امیرآباد استان سمنان، با وجود اینکه دعوا مربوط به شعبه اداره بیمه در آن بخش بوده، برخلاف صریح قسمت دوم ماده ۲۳ ق.آ.د.م. خود را صالح نشناخته است و صرفاً دادگاه اقامتگاه خوانده را صالح دانسته است! در مقابل، شعبه دادگاه عمومی تهران با استناد به ماده ۲۳ ق.آ.د.م. دادگاه محل شعبه بیمه را صالح دانسته است و از استدلال دادگاه چنین برمی‌آید که در دعاوی مربوط به شعبه شرکت، نظر به صلاحیت دادگاه اقامتگاه خوانده، علاوه بر صلاحیت دادگاه محل شعبه، نداشته است. این در حالی است که در پرونده‌های قبلی برخی از دادگاه‌ها در خصوص دعاوی مربوط به شعبه شرکت اعتقاد به صلاحیت دادگاه اقامتگاه خوانده هم داشتند؛ اما، به دلیل انتخاب اول خواهان، از رسیدگی امتناع کردند.

پرونده چهارم

خواهان دادخواستی را علیه نمایندگی شرکت تراکتورسازی و شرکت تراکتورسازی به خواسته مطالبه خسارت و مطالبه ارزش مابه‌التفاوت تراکتور به دادگاه‌های عمومی کمیجان تقدیم کرده است و پرونده به شعبه اول دادگاه ارجاع شده است. نشانی خوانده اول کمیجان و نشانی خوانده دوم تبریز اعلام شده است. خوانده ردیف دوم به صلاحیت دادگاه ایراد گرفته و دادگاه تبریز را صالح دانسته است. دادگاه نیز با صدور دادنامه شماره ۹۳۱۳۶۷-۱۰/۲۳-۱۳۹۳، با توجه به بند ۱۴ قرارداد بین طرفین دعوا- که به موجب آن طرفین اعلام کردند: «مطابق ماده ۱۰۱۰ قانون مدنی طرفین توافق نمودند که هر گونه اختلاف و همچنین دعاوی ناشی از این قرارداد را در حوزه قضایی تبریز مطرح نمایند»- و از این جهت که خوانده ردیف اول صرفاً عاملیت مجاز فروش بوده است، خود را صالح به رسیدگی ندانسته و با اعلام صلاحیت دادگاه عمومی تبریز پرونده را به دادگاه‌های حقوقی تبریز ارسال کرده است و پرونده در شعبه ۱۵ دادگاه عمومی تبریز مطرح شده و این دادگاه نیز با صدور دادنامه شماره ۹۳۰۷۴۹-۱۱/۱۸-۱۳۹۳ با این استدلال که موضوع ناشی از قرارداد استنادی بوده موضوع را مشمول ماده ۱۳ قانون آیین دادرسی دانسته و با نفی صلاحیت از خود و اعلام صلاحیت دادگاه حقوقی کمیجان پرونده را جهت حل اختلاف به دیوان عالی کشور ارسال کرده است. شعبه ۴۰ دیوان عالی کشور به موجب دادنامه شماره ۹۳۰۹۹۸۸۶۷۰۲۰۰۵۳۰ مورخ ۱۳۹۴/۰۱/۱۷ با این استدلال که نمایندگی

شرکت تراکتورسازی در کمیجان به عنوان شعبه شرکت شناخته نمی‌شود و موضوع مشمول قسمت اخیر ماده ۲۳ ق.آ.د.م. نیست، اما از این نظر که محل تنظیم قرارداد و همچنین محل انجام تعهد و دادن تراکتور در کمیجان بوده و موضوع مشمول ماده ۱۳ ق.آ.د.م. است، با تأیید نظر دادگاه عمومی تبریز و اعلام صلاحیت دادگاه عمومی کمیجان، حل اختلاف کرده است (سامانه ملی آرای قضایی، تاریخ رؤیت ۱۴۰۴/۰۷/۰۳، <https://ara.jri.ac.ir/Judge/Text/26227>).

در این پرونده، نمایندگی شرکت تراکتورسازی به عنوان شعبه شرکت شناخته نشده و به این ترتیب موضوع مشمول قسمت دوم ماده ۲۳ ق.آ.د.م. دانسته نشده است. به نظر می‌رسد این تشخیص با قسمت دوم ماده یادشده سازگار نیست. زیرا این قسمت از ماده برای ایجاد تسهیل و ارفاق به طرف دعا است و لازمه چنین مطلبی این است که از تفسیر مضیق شعبه شرکت خودداری شود، بلکه با تفسیر موسع آن باید آن را شامل عنوان نمایندگی شرکت هم دانست.

نکته قابل توجه اینکه در این پرونده به خوانده قرار گرفتن نمایندگی شرکت در کنار خود شرکت ایراد نشده است، درحالی که در این گونه دعاوی خوانده دعا خود شرکت است و شعبه و نمایندگی شخصیت حقوقی مستقل از شرکت ندارد و نمی‌تواند در کنار خود شرکت خوانده دعا قرار گیرد.

پرونده پنجم

شعبه سوم دادگاه عمومی نهاوند در خصوص دادخواست خواهان‌ها به طرفیت شرکت خوانده به خواسته مطالبه ۱۵ میلیون تومان اجرت کارکرد قرارداد آماتوربندی، قالب‌بندی، و پروژه مسکن مهر آبادان، طی دادنامه ۰۰۳۰۰۲۴۹ مورخ ۱۳۹۱/۰۷/۱۱، با توجه به محل انجام دادن تعهد و اجرای قرارداد که آبادان بوده است به استناد ماده ۲۳ قانون آیین دادرسی مدنی قرار عدم صلاحیت به شایستگی محاکم عمومی آبادان صادر و پرونده را به آن مرجع ارسال داشته است. متعاقباً شعبه ۵ دادگاه عمومی آبادان، پس از رسیدگی، به موجب دادنامه ۰۰۵۰۰۲۱۸ مورخ ۱۳۹۲/۰۳/۲۱ به استناد ماده ۱۳ قانون آیین دادرسی مدنی، با اعلام اینکه خواهان می‌تواند به دادگاهی که عقد و قرارداد در آن محل منعقد شده مراجعه کند، با نفی صلاحیت آن دادگاه، قرار عدم صلاحیت به شایستگی دادگاه عمومی نهاوند صادر و پرونده را جهت حل اختلاف به دیوان عالی کشور ارسال کرده است. شعبه ۱۸ دیوان عالی کشور با صدور دادنامه شماره ۹۲۰۹۹۷۰۹۰۷۸۰۰۴۵۹ مورخ ۱۳۹۲/۰۷/۰۲ این گونه اظهار نظر کرده است: «وفق مقررات ماده ۲۳ قانون آیین دادرسی مدنی، دعاوی ناشی از تعهدات شرکت در مقابل اشخاص ثالث (خارج از شرکت) در محلی که تعهد در آن انجام شده یا محلی که کالا باید در آنجا تسلیم گردد ... باید اقامه شود با توجه به اینکه خواهان‌ها دعوی را به طرفیت شرکت با نمایندگی ش.س. طرح نموده‌اند و محل انجام تعهد نیز مسکن مهر آبادان بوده است، نتیجتاً قرار صادره از شعبه سوم دادگاه عمومی نهاوند موجه تشخیص و با نقض قرار صادره از شعبه ۵ دادگاه عمومی آبادان، پرونده جهت اقدام قانونی به آن دادگاه (آبادان) ارسال و بدین نحو حل اختلاف به عمل می‌آید» (سامانه ملی آرای قضایی، تاریخ رؤیت ۱۴۰۴/۰۷/۰۳، <https://ara.jri.ac.ir/Judge/Text/7381>).

در این پرونده، شعبه دادگاه عمومی نهاوند و شعبه دیوان عالی کشور نظر به صلاحیت دادگاه محل انعقاد عقد بر اساس ماده ۲۳ ق.آ.د.م. نداشته‌اند. به عبارت دیگر، این مراجع عبارت «محلی که تعهد در آنجا واقع شده» در ماده ۲۳ را ناظر به محل انعقاد عقد ندانسته‌اند، بلکه آن را مربوط به محل انجام دادن تعهد دانسته‌اند. شعبه دادگاه عمومی آبادان هم همین تلقی را از عبارت یادشده داشته است. به همین سبب، برای صلاحیت دادگاه محل انعقاد عقد در دعاوی شرکت به ماده ۱۳ ق.آ.د.م. استناد کرده است. این در حالی است که منظور از عبارت یادشده در ماده ۲۳ محل انعقاد عقد است و به این ترتیب حکم مقرر در ماده ۲۳ در مورد دعاوی قراردادی شرکت با ماده ۱۳ ق.آ.د.م. هماهنگ است.

نتیجه

از آنچه در این مقاله گذشت چنین نتیجه گرفته می‌شود که قسمت دوم ماده ۲۳ ق.آ.د.م. از چند نظر ایراد و اشکال دارد. نخست اینکه این قسمت در ادامه قسمت نخست این ماده، که مربوط به دعاوی قراردادی شرکت است، آمده و سبب می‌شود قسمت دوم نیز مربوط به دعاوی قراردادی مربوط به شعبه شرکت تلقی شود، درحالی که لازم است قانونگذار وضعیت دعاوی مربوط به شعبه

شرکت، اعم از دعاوی قراردادی و دعاوی غیر قراردادی، را از نظر صلاحیت محلی دادگاه بیان کند و این می‌طلبد که یک ماده مستقل به این حکم اختصاص داده شود. این اشکال در قانون آیین دادرسی مدنی سابق (مصوب ۱۳۱۸) وجود نداشت. چون عبارت قسمت دوم ماده ۲۳ ق.آ.د.م. کنونی در قانون آیین دادرسی مدنی سابق در یک ماده مستقل (ماده ۳۸) بیان شده بود. اشکال دیگر به کار بردن تعابیر «تعهدات» و «معامله» است که حکم قسمت مورد بحث را منحصر به دعاوی قراردادی مربوط به شعبه شرکت می‌کند، درحالی‌که به نظر می‌رسد منظور قانونگذار اختصاص حکم به دعاوی قراردادی مربوط به شعبه شرکت نبوده است و منطقی هم این است که این حکم مختص به دعاوی قراردادی مربوط به شعبه شرکت نباشد. اشکال سوم مربوط به استفاده از کلمه «باید» است که انحصار صلاحیت دادگاه محل شعبه شرکت و نفی صلاحیت دادگاه محل وقوع عقد و محل یا محل‌های اجرای عقد در دعاوی قراردادی مربوط به شعبه شرکت را می‌رساند؛ درحالی‌که به نظر می‌رسد در این مورد هم قانونگذار چنین قصدی نداشته است و چنین تزیینی با سیاق عبارت قانونگذار، که حکایت از قصد ارفاق و تسهیل و توسعه دارد، سازگار نیست و غیر منطقی و غیر قابل قبول به نظر می‌رسد.

به منظور رفع اشکال‌های یادشده، پیشنهاد می‌شود عبارت قسمت دوم ماده ۲۳ ق.آ.د.م. در ماده‌ای مستقل بعد از آن ماده و به این شرح اصلاح شود: «ماده ... اگر شرکت دارای شعب متعدد در جاهای مختلف باشد، دعاوی مربوط به هر شعبه با اشخاص خارج در دادگاه محلی که شعبه در آن واقع است قابل اقامه است، مگر آنکه شعبه یادشده برچیده شده باشد که در این صورت دعاوی مربوط به شعبه نیز در مرکز اصلی شرکت قابل طرح است».

منابع

- ابهری، حمید و محمدرضا برزگر (۱۳۹۲). *آیین دادرسی مدنی* (۱). ج ۲. بابلسر: دانشگاه مازندران.
- اسکینی، ربیعا (۱۳۹۴). *حقوق تجارت، شرکت‌های تجاری*. ج ۲۰. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت). ج ۲.
- افتخار جهرمی، گودرز و السان، مصطفی (۱۳۹۶). *آیین دادرسی مدنی*. تهران: میزان. ج ۱.
- حیاتی، علی عباس (۱۳۹۰ الف). *آیین دادرسی مدنی* (۱). تهران: میزان.
- (۱۳۹۰ ب). *آیین دادرسی مدنی در نظم حقوقی کنونی*. ج ۲. تهران: میزان.
- زراعت، عباس (۱۳۸۹). *محشای قانون آیین دادرسی مدنی*. ج ۳. تهران: ققنوس.
- سامانه ملی آرای قضایی: <https://ara.jri.ac.ir/Judge/Text/7381>
- شمس، عبدالله (۱۳۸۸). *آیین دادرسی مدنی (دوره پیشرفته)*. ج ۲۱. تهران: دراک. ج ۱.
- کریمی، عباس و پرتو، حمیدرضا (۱۳۹۵). *آیین دادرسی مدنی*. تهران: دادگستر با همکاری انتشارات دکتر عباس کریمی. ج ۱.
- متین‌دفتری، احمد (۱۳۸۱). *آیین دادرسی مدنی و بازرگانی*. ج ۲. تهران: مجد. ج ۱.
- مهاجری، علی (۱۳۸۷). *مبسوط در آیین دادرسی مدنی*. تهران: فکرسازان. ج ۱.
- Abhari, H. & Barzegar, M.R. (2013). *Civil Procedure (1)*. 2nd edition. Babolsar: University of Mazandaran. (in Persian)
- Hayati, A.A. (2011a). *Civil Procedure (1)*. Tehran: Mizan. (in Persian)
- (2011b). *Civil Procedure in the Current Legal System*. 2nd edition. Tehran: Mizan. (in Persian)
- Iftikhar Jahromi, G. & Elsan, M. (2017). *Civil Procedure*. Tehran: Mizan. Vol. 1. (in Persian)
- Karimi, A. & Parto, H.R. (2016). *Civil Procedure*. Tehran: Dadgostar in collaboration with Dr. Abbas Karimi Publications. Vol. 1. (in Persian)
- Matin-Daftari, A. (2002). *Civil and Commercial Procedure*. 2nd edition. Tehran: Majd. Vol. 1. (in Persian)
- Mohajeri, A. (2008). *Detailed Civil Procedure*. Tehran: Fekrsazan. Vol. 1. (in Persian)
- National Judicial Decision System: <https://ara.jri.ac.ir/Judge/Text/7381>.
- Shams, A. (2009). *Advanced Civil Procedure*. 21st edition. Tehran: Drak. Vol. 1. (in Persian)
- Skini, R. (2015). *Commercial Law, Commercial Companies*. 20th edition. Tehran: Organization for Study and Compilation of University Humanities Books (SAMT). Vol. 2. (in Persian)
- Zeraat, A. (2010). *Civil Procedure Code*. 3rd edition. Tehran: Qoqnoos. (in Persian)